

بهار همچنان در راه است

بابک بلوچ

اگر در کشورهای پیشرفته‌ی امپریالیستی در پهنه‌ی اروپا و آمریکا بیرون کردن‌های کارگران، خصوصی‌سازی‌های پی در پی و میزان بالارونده‌ی دستمزدها، پاداش‌ها و ارزش سهام خصوصی سرمایه‌داران و رئیس‌های شرکت‌های بانکی، بازرگانی، صنعتی و دیگرها... همچنان بر خیل بیکاران می‌افزاید ولی مهار نمودن حتی‌الامکان پی آمدهای این همه و تأمین بورژوازی حداقل دستمزدها و نیز رفاه اجتماعی در بیشتر این کشورها، اگرچه تابع خواست زحمت‌کشان این کشورها نیست ولی از شدت و کوبنده‌گی شرایط بد اقتصادی می‌کاهند و درد بیکاری را تا حدودی آرامش می‌بخشند. این اما در جمهوری اسلامی همچنان به پرسمان مرگ و زندگی مربوط می‌گردد. زیستن در کشوری که خط فقر در آن 800000 تومان تعیین گردیده و در پایان سال گذشته‌اش حداقل دستمزدها را 274500 تومان تعیین می‌کنند خود گویای بسیاری ناگفتنی‌هاست. شاید در پاسخ به آنان که می‌گویند مردم به هر شکلی زندگی می‌کنند و گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند باید گفت در پایان به هر گونه‌ای این کار را می‌کنند ولی نخستین پرسمان همیشه و همچنان این است که "به چه گونه‌ای؟" این خود چهره‌های گوناگون برآوردن نیازهای زیستی، آن هم نخستین‌ترین و پایه‌ای‌ترین آن‌هاست که پرسمان برانگیز است. تهیدستی خانمان‌سوز روستاهای کشور- که یورش روستاییان به شهرها نشانگر آن است- و منطقه‌هایی که هنوز از آب آشامیدنی، مدرسه، جاده، زمین‌های کشت‌پذیر، بهداشت همگانی، سقف بالای سر، نان شب، کفش و لباس درخور ارج مردمی و دیگر چیزها محرومند، چنان از تاب و توان مردمی بیرون و ژرف و باور نکردنی‌ست که هر آینه در اندیشه‌ی هیچ خوش‌خیال‌ترین، خوش‌باورترین خوش‌نشینان و خوش‌خوران نمی‌گنجد. تنها چنان نمونه باید یاد نمود از فرزندان روستاییانی که برای کار یا بیگاری در کارگاه‌ها و کارخانه‌های منطقه‌های گسترده‌تر و یا گدایی کردن به شهرها فرستاده می‌شوند که البته در این میان از احتمال و یا شاید حتمیت استفاده‌های جنسی از آن‌ها باید یاد نمود.

اعتراض کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه همراه با اتحادیه آزاد کارگران و نیز کارگران برق و فلز کرمانشاه در پایانی‌ترین ماه سال گذشته به حداقل دستمزدها خود گواهی‌ست بر فاجعه‌ی انسانی پیوسته و هرروزه‌ای که مردم ایران با آن درگیرند. باید به آنانی که گمان می‌کنند یا چنین میزان دستمزدی می‌توان در ایران فقاقت اسلامی به آسانی دوام آورد و به آسانی و با دل شاد و فارغ از کاستی‌های زندگی هم پایکوبی نمود و هم ارزش‌های انسانی خویش را پاس داشت، تنها چنان یک پیشنهادی ساده، گفت از همین فردا از سه چهارم درآمد خویش چشم پوشیده و با یک چهارم آن زندگی کنند تا بدانند درصد شادمانی‌ها و پایکوبی‌های مردم تا کجا کش می‌آورد و عمق شادخواری‌های آنان تا کجا ته می‌کشد و مقوله‌های نوروز و بهار و سال نو، در دستگاه اندیشه و احساس آنان چه معنای نوینی می‌یابد. در کشوری که در سال نو آن کودکانش را همچنان به فروش می‌گذارند، دخترانش را در بازارهای برده‌گان به حراج می‌گذارند، دوست داشتن را همچنان سنگسار می‌کنند، بدن‌ها را در خیابان‌ها و پیش چشم خانواده و یاران می‌کوبند، تهیدستی همگانی را به مردمان پاداش عید می‌دهند و زندان‌ها را همچنان پر می‌کنند از راستوارترین، بهترین و شکوفاترین دختران، پسران و کارگران آگاه و مبارز آزادی‌خواه این سرزمین، حاشا اگر بهار و جشن معنای دیگری نیافته باشد.

خوش‌بینی‌ها را کنار باید گذارد. طبقه‌ی کارگر ایران و دیگر طبقات زحمتکش و محروم جامعه در چنان فلاکتی به سر می‌برند که هیچ جشن و پایکوبی از آن نمی‌کاهد. مشکل نه جشن است، نه نوروز، نه بهار و نه هیچ چیز دیگری از این دست و حتی راهگشا هم این‌ها نیستند. هر کس می‌خواهد پایکوبی کند و خوش باشد پس گویمش پای کوب، خوش باش و خوش زی! مسئله اما همچنان سازمان‌دهی مبارزات زحمتکشان، تبلیغ ایده‌نولوژی مارکسیستی در میان آنان، همکاری و حمایت عملی از مبارزات آنان در همان‌جایی که به مبارزه می‌پردازند، آشنایی نزدیک‌تر و "واقعی" با زندگی آنان و درآمیختن با آنان است در محیط‌های کار و کوشش و زندگی روزمره آنان. همه هواخواهان طبقات زحمتکش می‌توانند همچنان تا سه دهه‌ی دیگر به کار خبرپراکنی و ژورنالیستی و تحلیل و نصیحت و سفارش ادامه دهند ولی بی شک جمهوری قاتل‌ها و لمپن‌های اسلامی نیز اگر اوضاع همچنان بدین شیوه ادامه یابد به زیست کثیف و انگل‌وار خویش ادامه خواهد داد. بهار کارگران و زحمتکشان هم خواهد رسید و آن روزی است که نظم وحشیانه‌ی مزدوران سرمایه و ثروت در هم ریخته باشد، روزی که نه انتظار آمدن بهار را می‌کشد و نه از ته تاریخ سر برمی‌آورد. روزی که در میانه‌ی سال هم به یادش می‌توان آتش‌افروزی نمود، خانه‌تکانی کرد، به دیدار هم شتافت و فراز آمدن جهان نوین، انسان طراز نوین کمونیستی و رویش ارزش‌های نوین انسانی را پاس داشت و پرورش نمود.